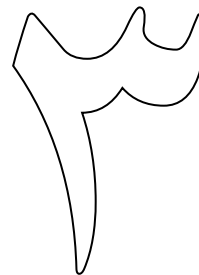


# تأثیر جهانی شدن بر معمای امنیتی جمهوری اسلامی ایران



محمدرضا دهشیری \*

سیدمحمدحسین حسینی \*\*

\* دانشیار دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه

mohammadreza\_dehshiri@yahoo.com

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه

mh.hossein25@yahoo.com

تاریخ تصویب: ۹۴/۲/۵

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۰/۲۷

فصلنامه روابط خارجی، سال هفتم، شماره اول، بهار ۱۳۹۴، صص ۶۵-۹۱.

جهانی شدن و جهانی سازی از جمله مفاهیم رایج در عرصه روابط بین الملل هستند که از سال ۱۹۹۰ به بعد، نمود بیشتری یافته اند. مفهوم جهانی شدن که نخستین بار برای تحولاتی که در عرصه فعالیت های اقتصادی پدید آمده بود مطرح شد، بیشتر جنبه انتزاعی داشته و با گذشت زمان دارای اهمیت زیادی شده است. این مفهوم با ورود به حوزه های دیگر روابط بین الملل نظیر امنیت ملی، توجه بیشتر اندیشمندان را به خود جلب کرده است. در واقع اهمیت این مفهوم و رابطه آن با مولفه امنیت، منجر به نگاه های متفاوت بازیگران و واحدهای نظام بین الملل به آن شده است که در این میان جمهوری اسلامی ایران از این قاعده مستثنی نیست. بر این اساس، در پژوهش حاضر این سؤال مطرح می شود که اساساً رابطه جهانی شدن و امنیت چگونه تعریف می شود و جهانی شدن چه تاثیری بر معمای امنیتی جمهوری اسلامی دارد؟ فرضیه مورد نظر این است که جهانی شدن علی رغم ایجاد زمینه و فرصت های لازم برای برقراری روابط فرامرزی با سایر واحدهای نظام بین الملل، می تواند معمای امنیتی جمهوری اسلامی ایران را با چالش هایی نظیر تضعیف مرز، تضعیف حاکمیت ملی و آسیب پذیری اطلاعاتی و رسانه ای مواجه سازد.

**واژه های کلیدی:** جهانی شدن، معمای امنیتی، امنیت ملی، جمهوری

اسلامی ایران

## مقدمه

امنیت<sup>۱</sup> و معمای امنیتی<sup>۲</sup> از جمله مفاهیم بنیادین روابط بین‌الملل هستند که نظریات جریان اصلی روابط بین‌الملل، به واکاوی آنها پرداخته‌اند. این مفهوم فرامرزی امنیت با توجه به شرایط رو به توسعه جهانی و کم اهمیت شدن مرزها به داخل کشورها نیز سرایت کرده است. جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهایی است که در منطقه خاورمیانه - که به طور مداوم با چالش‌ها و بحران‌های سیاسی و اقتصادی همراه است - به دنبال حفظ امنیت ملی خود است. در واقع جمهوری اسلامی ایران بر مبنای نگاه رئالیستی، تلاش کرده است تا در این محیط آنارشیک، بقاء خود را تضمین نماید و سپس در تحولات منطقه تأثیرگذار ظاهر شود. در این راستا پدیده جهانی شدن<sup>۳</sup> و جهانی سازی<sup>۴</sup> با توجه به ماهیت فرامرزی خود، می‌توانند معادلات مربوط به مفهوم امنیت و معمای امنیتی را پیچیده سازند. نگاه مثبت معطوف به جهانی شدن و نگاه منفی معطوف به جهانی سازی از سوی کشورهای در حال توسعه بیانگر رابطه میان مؤلفه امنیت و نوع نگاه ویژه این کشورها به این پدیده است. علاوه بر این نگاه، جمهوری اسلامی ایران با توجه به ساختار و کارکرد حکومتی‌اش که مبتنی بر یکپارچگی، حفظ استقلال و امنیت داخلی است، نسبت به جهانی شدن و مؤلفه‌های مربوط به آن با دیده شک و تردید می‌نگرد. بر این اساس رابطه میان امنیت، جهانی شدن و معمای امنیتی بسیار حائز اهمیت است؛ چرا که در چهارچوب

1. Security
2. Security Dilemma
3. Globalization
4. Globalism

این رابطه جمهوری اسلامی ایران، امنیت را به عنوان محور اصلی سیاست داخلی و خارجی خود در نظر می‌گیرد. بنابراین، این نوع نگاه به پدیده جهانی شدن و مؤلفه امنیت منجر به طرح این سؤال می‌شود که اساسا رابطه جهانی شدن و امنیت چگونه تعریف می‌شود و جهانی شدن چه تاثیری بر معمای امنیتی جمهوری اسلامی دارد؟ فرضیه مورد نظر این است که جهانی شدن علی‌رغم ایجاد زمینه و فرصت‌های لازم برای برقراری روابط فرامرزی با سایر واحدهای نظام بین‌الملل، می‌تواند معمای امنیتی جمهوری اسلامی ایران را با چالش‌هایی نظیر تضعیف مرز، تضعیف حاکمیت ملی و آسیب‌پذیری اطلاعاتی و رسانه‌ای مواجه سازد. این مقاله با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی به بررسی تاثیر جهانی شدن بر معمای امنیتی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. همچنین در این مقاله مولفه جهانی شدن به عنوان متغیر مستقل و معمای امنیتی جهانی شدن به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. مسائل مربوط به وسایل ارتباطات جمعی و امنیت اطلاعات در ایران، تضعیف حاکمیت و امنیت ملی، کم‌اهمیت شدن مرزها و آسیب‌پذیری داخلی، نگاه رئالیستی به امنیت و کم‌اهمیت انگاشتن ائتلاف‌های برون‌مرزی، فرهنگ‌پذیری نوین نشأت گرفته از جهانی شدن و تاثیرگذاری بر معمای امنیتی جمهوری اسلامی و اهمیت یافتن هویت قومی در مقاله پیش‌رو بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی و منابع اینترنتی و کتابخانه‌ای مورد واکاوی قرار خواهند گرفت.

### ۱. جهانی شدن

جهانی شدن واژه رایج و شایع ادبیات روابط بین‌الملل به ویژه از اواسط دهه ۱۹۹۰ به بعد است. گرچه این مفهوم اخیرا موضوعی عمومی و بحث برانگیز است، اما اغلب به عنوان مفهومی ضعیف باقی مانده است. در برخی مواقع به صورت خیلی جامع، این اصطلاح شامل افزایش در تجارت و سیاست خصوصی‌سازی و همچنین کاهش در قیمت حمل‌ونقل و انتقال تکنولوژی است. تا آنجا که به تاثیرات این مفهوم مربوط است، بحث جهانی شدن تمایل دارد که به طور همزمان تاثیراتش بر رشد اقتصادی، بیکاری و توزیع درآمد -اغلب بدون تمایز بین کشورها و نابرابری‌های درون کشوری- و دیگر موضوعات اجتماعی همانند فرصت‌هایی برای

کاهش فقر، حقوق بشر و کارگر، برآیند زیست‌محیطی و غیره را در نظر گیرد (Lee&Vivarelli: 3). بنابراین، این مفهوم به عنوان روندی از دگرگونی از مرزهای سیاست و اقتصاد فراتر می‌رود و علم، فرهنگ و سطح زندگی را در برمی‌گیرد. از این منظر جهانی‌شدن پدیده‌ای چندبعدی است که قابل تسری به اشکال گوناگون عمل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی، نظامی، فناوری و عرصه‌های عمل اجتماعی همچون زیست‌محیطی است (یوسفی جویباری و همکاران، ۱۳۹۰: ۹۳).

به عبارتی برخلاف آنچه بیشتر می‌پندارند، جهانی‌شدن تنها یک پدیده اقتصادی نیست بلکه افزون‌بر این همه جنبه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی زندگی انسان را در برمی‌گیرد؛ چنانکه مارتین آلبرو<sup>۱</sup> جهانی‌شدن را فرایندی می‌داند که همه مردمان جهان در یک جامعه فراگیر جهانی به هم پیوند می‌دهد (فروغی‌نیا، ۱۳۸۳: ۱۱۶). به طور کلی تا امروز می‌توان سه مرحله جهانی‌شدن را مشخص کرد؛ نخست مرحله هوشیاری جهانی که حدود ۵۰۰ سال قبل شروع شد. دوم، فوق قلمروگرایی که از اواسط قرن ۱۹ شروع شد و طی سه دهه بعد با آهنگی تدریجی توسعه پیدا کرد. سوم، روابط جهانی که عمدتاً از سال‌های دهه ۱۹۶۰ گسترش یافته و بیشترین اهمیت را به دست آورد (روحانی، ۱۳۸۹: ۷۰۸). البته در این فرایند تاریخی نظریات متفاوتی پیرامون جهانی‌شدن وجود داشته است و در این زمینه اتفاق نظر وجود ندارد. از دیدگاه نظریه پردازان علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، جهانی‌شدن به معنای نظم جهانی نو در عرصه روابط بین‌الملل، تغییر تعاملات دولت‌ها و ملت‌ها از شکل کنونی آن، کم‌رنگ شدن مفهوم دولت ملی و حاکمیت سرزمینی و ظهور نهادهای قدرتمند غیردولتی یا فراملی در عرصه بین‌المللی است (نایینی، ۱۳۸۲: ۱۴۵). از دیدگاه سازه‌انگاران، جهانی‌شدن مرحله‌ای از تغییر در سامانه بین‌المللی است که عناصر اجتماعی و فرهنگی جوامع با تاثیر بر دولت‌ها و ساختار سامانه بین‌المللی به نوعی تغییر و تحول را بسترسازی کرده‌اند. سازه‌انگاران معتقدند که جهانی‌شدن به خلق معانی و هویت‌های جدید به طور بین‌الذهانی منجر شده

است (Kay, 2004: 9-13). از دیدگاه روزنا، جهانی شدن فرایندی است که در ورای مرزهای ملی گسترش یافته و افراد، گروه‌ها، نهادها و سازمان‌ها را به انجام رفتارهای یکسان یا شرکت در فرایندها، سازمان‌ها یا نهادهای فراگیر و منسجم وامی‌دارد. روزنا همچنین معتقد است که جهانی شدن مشابه جهانی سازی نیست که به آرمانی برای پایان امور - که در آن ارزش‌ها تقسیم شده‌اند یا به پنج بلیون مردم، محیط‌زیست‌شان، نقش‌شان به عنوان شهروند، مصرف‌کنندگان و یا تولیدکنندگانی با منافعی در اقدام جمعی که با حل مشکلات رایج طراحی شده، مربوط است - اشاره دارد. این جهانی نیست - ارزش‌هایی که همه بشریت، همدردی و واقعیت را در بر می‌گیرد (Reich, 1998: 4).

در تعریفی دیگر، جهانی شدن عبارت است از گسترش روابط و پیوندهای گوناگون بین دولت‌ها و جوامعی که نظام نوین جهانی را شکل می‌دهند. فرایندهایی که بنابر آنها رخدادهای، تصمیمات و فعالیت‌ها در یک بخش از جهان می‌تواند پیامدهای مهمی برای افراد و جوامع بخش کاملاً مجزایی از جهان در برداشته باشد (ستوده، ۱۳۷۹: ۲۴). رابرتسون<sup>۱</sup> معتقد است جهانی شدن عبارت است از فشرده شدن جهان و تشدید آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل. نظریه پردازانی نظیر مارکس از پدیده‌ای به نام نابودی مکان توسط زمان، دیوید هاروی<sup>۲</sup> در پایان دهه ۱۹۸۰ از فشرده‌گی زمانی-مکانی و گیدنز از اندیشه پشت سرگذاری زمان-مکان در مورد جهانی شدن سخن می‌گویند (علیوردی‌نیا و سلیمانی بشلی، ۱۳۸۷: ۸۲). توماس لارسن، روزنامه‌نگار سوئدی در کتابش تحت‌عنوان «مسابقه به بالا: داستان واقعی جهانی شدن»، بیان می‌کند که جهانی شدن فرایند انقباض جهان است، فاصله‌ها در حال کاهش و چیزها به یکدیگر نزدیک‌تر می‌شوند. همچنین جهانی شدن به افزایش سهولت مربوط می‌شود که یک نفر در یک بخش از جهان می‌تواند برای سود متقابل با شخصی دیگر در بخش دیگری از جهان تعامل نماید (Alrodhan, 2006: 3). امانوئل ریشر<sup>۳</sup> معتقد است جهانی شدن شکل‌گیری شبکه‌ای است که طی آن

1. Robertson
2. David Harvey
3. Emmanuel Richter

اجتماعاتی که پیش از این در کره خاکی دور افتاده و منزوی بودند، در وابستگی متقابل و وحدت جهانی ادغام می‌شوند. صندوق بین‌المللی پول، جهانی شدن را ادغام وسیع‌تر و عمیق‌تر تعریف می‌کند. به عبارت دیگر، جهانی شدن را رشد وابستگی متقابل اقتصادی کشورها در سراسر جهان از طریق حجم و تنوع مبادلات کالا و خدمات و جریان سرمایه در ماوراء مرزها و همچنین از طریق پخش گسترده‌تر و وسیع‌تر تکنولوژی می‌داند. لستر تارو<sup>۱</sup> معتقد است که اقتصاد جهانی، بنا به تعریف اقتصادی است که در آن عوامل تولید، منابع طبیعی، سرمایه، دانش فنی، نیروی کار و نیز کالاها و خدمات در سراسر جهان جابه‌جا می‌شوند. با توجه به تعاریف فوق می‌توان جهانی شدن را فرایندی در نظر گرفت که در آن مرزهای اقتصادی میان کشورها هرروز کم‌رنگ‌تر و تحرک روزافزون منابع، تکنولوژی، کالا، خدمات و سرمایه و حتی نیروی انسانی در ماوراء مرزها سهل‌تر صورت می‌گیرد و در نتیجه به افزایش تولید و مصرف در کشورها می‌انجامد (تارو، ۱۳۷۶: ۵۶).

علاوه بر تعاریف فوق در زمینه رابطه میان جهانی شدن و مقوله امنیت، باید به شناخت و درک تفاوت و تمایز مفاهیم جهانی شدن و جهانی سازی پرداخت؛ چرا که هرکدام از این مفاهیم می‌توانند به صورت‌های متفاوتی مقوله امنیت و معماری امنیتی کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران را تحت‌تأثیر قرار دهند. برای درک و مقایسه این تمایزات و ارزیابی مسائل امنیتی می‌توان جدول زیر را ترسیم نمود:

نمودار شماره ۱: تفاوت جهانی شدن و جهانی سازی

مفاهیم	سیاسی	اقتصادی	اجتماعی	فرهنگی	ارتباطی	علم، فناوری
جهانی شدن (Globalization)	۱. تضعیف حاکمیت ملی ۲. کم‌رنگ شدن مرزها ۳. افزایش نقش بازیگران غیردولتی	۱. وابستگی متقابل اقتصادی ۲. رقابتی شدن اقتصاد ۳. افزایش نقش بخش خصوصی ۴. رشد شرکت‌های چندملیتی	۱. شهروند جهانی ۲. دولت-فرد ۳. تضعیف هویت ملی و تقویت هویت‌های فراملی	۱. تنوع فرهنگی (هم‌افزایی فرهنگی)	۱. دهکده جهانی ۲. شبکه‌های شدن جهان ۳. تقویت رسانه‌های چندملیتی ۴. جریان آزاد اطلاعات	۱. اهمیت مطالعات میان رشته‌ای ۲. جوامع دانش بنیان
جهانی سازی (Globalism)	۱. تسهیل سیاست‌های قدرت‌های هژمون ۲. افزایش شکاف بین شمال و جنوب	۱. افزایش نقش کشورهای شمال ۲. مک‌دونالدی شدن و کواکولایی شدن	۱. تضعیف بنیان خانواده ۲. تقویت گرایش‌های گریز از مرکز ۳. تقویت مدرنیسم	۱. یکسان سازی فرهنگی (تهاجم فرهنگی)	۱. شکاف بین دارندگان و فاقدان اطلاعات	۱. تفوق تکنولوژیک غرب بر جوامع در حال توسعه ۲. فراگیر شدن علوم انسانی غربی

منبع: (دهشیری، ۱۳۹۲: ۱۹ بهمن)

## ۲. ایران و فضای امنیت در عصر جهانی‌شدن

کشور ایران در ادوار مختلف تاریخی شاهد حضور قدرت‌های بزرگ در این سرزمین بوده است؛ به طوری که بیشتر مبادلات این قدرت‌ها از طریق خاک ایران صورت می‌گرفته است. در دوران جنگ جهانی اول و دوم نیز کشور ایران علی‌رغم اعلام بی‌طرفی در جنگ، به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی، مورد توجه متفقین و نیروهای محور قرار داشت؛ به طوری که پس از پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم، ایران لقب پل پیروزی گرفت. بر این اساس، موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در ساختار فضایی ژئوپلیتیک جهانی همراه با دارا بودن کدهای ژئوپلیتیک موثر و قوی در داخل کشورهای همسایه و منطقه خاورمیانه به گونه‌ای است که قدرت‌های جهانی و کشورهای منطقه را نسبت به تغییر در وزن ژئوپلیتیکی و تحولات داخلی و خارجی خود بسیار حساس کرده است (خوجم لی، ۱۳۹۲: ۷۱). در واقع می‌توان گفت که موقعیت خاص ایران همواره بستر مناسبی را برای ایجاد تنش‌های سیاسی و نظامی و به مخاطره افتادن امنیت ملی آن فراهم آورده است. در کنار عوامل ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک، کشف منابع زیرزمینی به ویژه نفت و گاز، بر اهمیت نقش ایران در منطقه خاورمیانه و خط مواصلاتی شرق و غرب افزود؛ به طوری که قراردادهای فراوانی در زمینه انرژی از سوی قدرت‌های بزرگ منعقد شد و شرایط به گونه‌ای پیش رفت که رقابت قدرت‌های بزرگ برای دستیابی به این منابع به اوج رسید. به لحاظ تاریخی، نفت در خاورمیانه برای نخستین بار در ایران تولید شد، از آن زمان تاکنون بیش از یکصد سال می‌گذرد و میلیاردها بشکه نفت خام از میدان‌های نفتی ایران به دست آمده است و به خارج رفته است. این صادرات عظیم نفت خام باعث شده است ایران در نظام بین‌الملل و روابط سیاسی بین‌المللی جایگاه ویژه‌ای به دست آورد، زیرا کشورهای صنعتی پیشرفته، همواره نیازمند نفت و جایگاه اقتصادی سیاسی بوده‌اند (عزتی، ۱۳۸۷: ۷). رویدادهای دهه نخست قرن بیست و یکم نیز نشان‌دهنده این است که در عرصه مناسبات بین‌المللی، ژئوپلیتیک انرژی، اهمیت راهبردی دارد و به واسطه نزدیکی مراکز تولید نفت و گاز ایران به آب‌های بین‌المللی، می‌تواند نقش بسیار مهمی را در معادلات انرژی جهان ایفا نماید. با تحولات صورت گرفته در رویکردهای ژئوپلیتیکی و اهمیت یافتن منابع نفت و گاز



در معادلات جهانی، ایران در میان منطقه‌ای قرار گرفته است که در تولید و انتقال نفت و گاز جهانی نقشی حیاتی ایفا می‌کند؛ به طوری که از نظر کارکرد، نظیر قلب جهان عمل می‌نماید. به عبارتی جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک ایران که پل میان دو انبار انرژی و برجسته دنیا یعنی خلیج فارس و دریای خزر و اوراسیا است، نقش برجسته‌ای در منطقه می‌تواند ایفاء نماید (قاسمی، ۱۳۹۰: ۳۰۰). براساس نقشه زیر که موقعیت منطقه‌ای ایران را به نمایش می‌گذارد، می‌توان به نقش مولفه امنیت و تأثیری که جهانی شدن بر این معمای امنیتی می‌گذارد پی برد.

بر اساس نقشه فوق، تهدیدات امنیتی ایران در دو بخش داخلی و خارجی قابل تبیین است. در زمینه تهدیدات داخلی می‌توان به مولفه‌هایی نظیر حفره‌های دولت، اقلیت‌های قومی-مذهبی، مناطق محروم از توسعه و مراکز حساس و حیاتی آسیب‌پذیری مرزی اشاره کرد. در زمینه تهدیدات خارجی که نمود بیشتری در زمینه مفهوم جهانی شدن دارد، مولفه‌هایی نظیر موقعیت ژئوپلیتیک کشور، حساسیت ملت‌های طرفین نسبت به یکدیگر و منابع و پتانسیل‌های بالقوه کشور اشاره کرد. علاوه بر این، به لحاظ محیط امنیتی ایران باید به وجود پایگاه‌های نظامی متعدد در کشورهای پاکستان، افغانستان، عراق و استقرار نیروهای نظامی امریکا در این کشورها، وجود اقلیت‌های قومی در کشورهای اطراف، تجمع دولت‌های شکننده در اطراف ایران و وجود گروه‌های تروریستی در مناطق مرزی کشور اشاره کرد که می‌توانند امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را به ویژه در عصر جهانی شدن -که باعث تضعیف مرزها و تقویت گروه‌های فروملی می‌شود- به خطر اندازند.

وسایل ارتباط جمعی و امنیت اطلاعات در ایران: فضای سایبر<sup>۱</sup> در معنا به مجموعه‌هایی از ارتباطات درونی انسان‌ها از طریق رایانه و مسائل مخابراتی بدون در نظر گرفتن جغرافیای فیزیکی گفته می‌شود. امنیت سایبر نیز به امنیت فناوری اطلاعات وابسته به سیاست دولت‌ها اطلاق می‌شود. این اصطلاح عموماً توسط موسسه‌های دولتی و سیاست‌گذاران ملی در اسناد، قوانین و پروژه‌های تحقیقاتی استفاده می‌شود و کم‌وبیش مترادف با امنیت اینترنت است. هر دو عبارت به جوانب



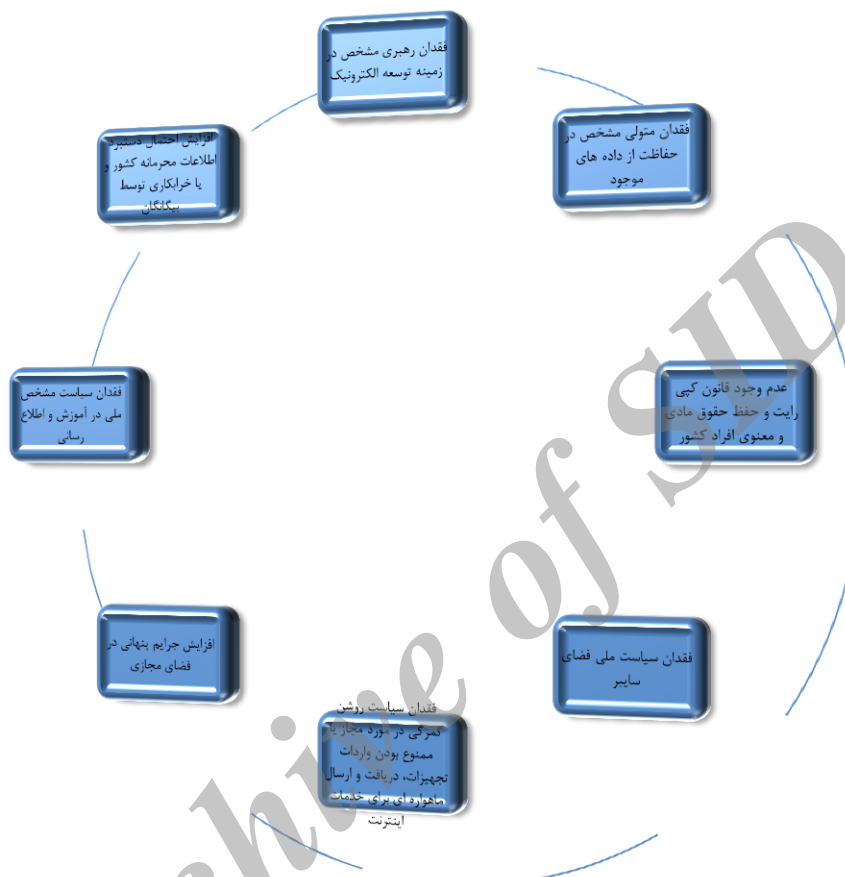
امنیت شبکه و اصول سیاست‌گذاری شبکه‌ها نظیر تعریف حریم خصوصی، جرائم سایبر، تجارت و ارتباطات جهانی اشاره دارند (هاتف، ۱۳۸۸:۹۶). در زمینه رابطه جهانی‌شدن و معمای امنیتی جمهوری اسلامی، باید به مفهوم امنیت اطلاعات اشاره کرد که به حفاظت از اطلاعات و به حداقل رساندن خطر افشای اطلاعات در بخش‌های غیرمجاز اشاره دارد. در واقع در عصر جهانی‌شدن و گسترش وسایل ارتباط جمعی، امنیت اطلاعات می‌تواند با چالش مواجه شود؛ بدین معنا که کشورهایی که به لحاظ ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک با جمهوری اسلامی ایران دارای مشکل هستند، می‌توانند از طریق شبکه جهانی اینترنت و فضای سایبر، امنیت اطلاعات را به خطر اندازند؛ به ویژه که مولفه جهانی‌شدن با توجه به ماهیت فرامرزی و پیش‌رونده اش به این نوع از اثرگذاری کمک شایانی می‌نماید. بر این اساس، می‌توان گفت که رسانه‌ها یکی از مهم‌ترین ابزارها برای اعمال جنگ روانی چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ به شمار می‌روند و هدف از دیپلماسی رسانه‌ای در این زمینه ایجاد تنفر و دشمنی نسبت به حاکمیت کشور هدف، اعمال فشارهای سیاسی، فرهنگی و نظامی علیه کشور هدف، ایجاد رغبت و علاقه در مخاطبان کشور هدف نسبت به کشور کارگزار است. در خصوص کشوری که آماج عملیات روانی رسانه‌ای قرار می‌گیرد، دو بخش افکار عمومی شهروندان و حاکمیت در زمینه امنیت ملی تحت‌تاثیر قرار می‌گیرند. کارگزاران عملیات روانی در مورد شهروندان کشور هدف، می‌توانند این اهداف را دنبال نمایند: بدین ساختن آنها نسبت به حاکمیت، بالا بردن توقعات آنها نسبت به حاکمیت، ایجاد بحران‌های ساختگی، ترویج فرهنگ‌هایی که مغایر منویات حاکمیت است و منجی نشان دادن خود.

در زمینه هدف قراردادن حاکمیت، نخستین مولفه تولید و انتشار اطلاعات کذب و تحریف شده است. دومین عامل به ارسال ایمیل‌های مخصوص برای مسئولان مربوط می‌شود که دو ویژگی دارد: ابتدا با تهدید و تطمیع باعث شک و تردید مسئولان می‌شوند و سپس باعث بدبینی حکومت نسبت به مسئولان می‌شوند. سومین عامل استفاده از رسانه‌های بین‌المللی است؛ به این طریق که با انتشار اخبار کذب از کشور هدف در سطح جهان، حاکمیت آن را به چالش می‌کشاند که

جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. از طرف دیگر نحوه برخورد رسانه‌ها با باورها و اعتقادات شهروندان و کارگزاران تأثیر بسزایی در نتیجه معادله مبادلات سیاسی در هر جامعه دارد. هرگونه برخوردی که به بی‌اعتمادی مردم به ارزش‌ها و رویگردانی آنها شود، می‌تواند تلاش‌های رسمی دولت را از ارزش واقعی خود عاری سازد و حتی دولت‌های کارآمد را با خطر ناامنی و بی‌ثباتی مواجه سازد. بنابراین می‌توان گفت که فرماندهان جنگ رسانه‌ای، استراتژیست‌های عملیات روانی و متخصصان تبلیغاتی و کارگزاران رسانه‌ای بین‌المللی هستند. این گروه به منظور تعدیل افکار عمومی، مراحل مختلفی را طراحی کرده‌اند که به ترتیب عبارتند از:

- (۱) مرحله مقدماتی،<sup>۱</sup> شامل ارائه دلیل و توجیه مردم به منظور افزایش فقر و هرج و مرج به دنبال بروز جنگ؛
- (۲) مرحله توجیه،<sup>۲</sup> با انعکاس اخبار مهم و تجزیه و تحلیل مقدمات مداخله نظامی فراهم می‌شود؛
- (۳) مرحله اجرا،<sup>۳</sup> بسیج منابع و سانسور به منظور ایجاد زمینه مهار پوشش خبری؛
- (۴) مرحله پس از جنگ،<sup>۴</sup> عادی‌سازی وضعیت و کاهش ضایعات خبری (اتوسن، ۱۳۸۳: ۵۳).

- 
1. Qualifying Stage
  2. The justification Stage
  3. Execute Stage
  4. After the War Stage

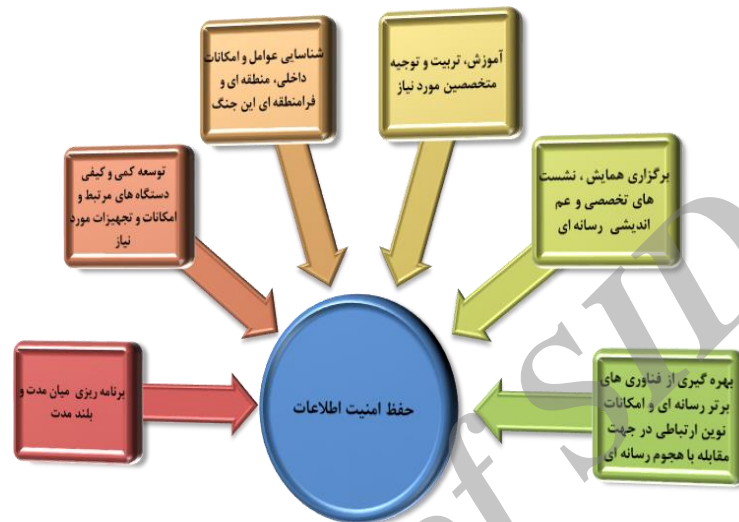


(ترسیم از نگارندگان)

بر اساس نمودار می‌توان به چالش‌هایی اشاره کرد که امنیت مجازی جمهوری اسلامی را تحت الشعاع قرار می‌دهند. بر این اساس، فقدان رهبری و متولی مشخص در زمینه حفاظت داده‌ها یک خلاء بسیار مهم تلقی می‌شود؛ چرا که یکی از پایه‌های حفاظت اطلاعات به مدیریت صحیح برمی‌گردد. موارد دیگر نظیر کپی‌رایت و دسترسی به اطلاعات محرمانه نیز ریشه در مدیریت صحیح داده‌ها دارند و تنها از این طریق است که امنیت مجازی تامین خواهد شد. نکته دیگر این است که در عصر جهانی شدن و امکان نفوذ در حریم مجازی، ممکن است فرصت شناسایی در اختیار گروه‌ها و شبکه‌هایی قرارگیرد که قصد مختل‌سازی این سیستم را دارند.

نمودار شماره ۵: وظایف اساسی مسئولان جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با چالش‌های امنیتی در عصر

#### جهانی شدن



(ترسیم از نگارندگان)

نمودار فوق چگونگی حفظ امنیت اطلاعات را نشان می‌دهد که براساس آن برنامه‌ریزی میان‌مدت و بلندمدت مهم‌ترین گام به شمار می‌رود. از سوی دیگر، توسعه کمی و کیفی دستگاه‌های مرتبط، آموزش متخصصین، برگزاری همایش‌ها و نشست‌ها و بهره‌گیری از فناوری‌های برتر رسانه‌ای می‌تواند به تحقق این مسئله کمک نمایند.

تضعیف حاکمیت و امنیت ملی، کم‌اهمیت شدن مرزها و آسیب‌پذیری داخلی: در زمینه مفهوم حاکمیت و رابطه آن با جهانی شدن و تأثیری که بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند داشته باشد، باید گفت که سرعت ارتباطات و جهانی شدن باعث افزایش فشارهای داخلی بر دولت‌ها شده و آنها را در انجام وظایف خود از جمله تامین امنیت ملی ناتوان ساخته است. اثر این تحولات و فرایندها می‌تواند اضمحلال مشروعیت سیاسی، افزایش ابهام درباره مناسب‌ترین ساختارهای اقتدار جهت مدیریت مسائل امنیتی، فرهنگی و سیاسی مشترک و نیز سلطه هرج و مرج باشد (ستوده، ۱۳۷۹: ۴۰). از دیدگاه سیاسی نیز جهانی شدن، کم‌رنگ شدن حاکمیت ملی کشورهای در حال توسعه از جمله ایران را در پی دارد

و ابزارهای سیاست داخلی را با مشکلات بسیار روبه‌رو می‌کند. مشکلاتی که به‌ویژه بر اثر نبود کنترل بر روند انتقال سرمایه، کالا، پذیرش و اجرای مقررات سازمان‌های فراملی پدید می‌آید. اگر سیاست‌های داخلی دولت، توان اصلاحات سیاسی و اجتماعی را نداشته باشد، این ناتوانی به انزوا و ناامیدی مردم می‌انجامد که نتیجه آن تضعیف حاکمیت و امنیت ملی خواهد بود. از طرف دیگر در عصر جهانی‌شدن، محدودیت حاکمیت اقتصادی کشورهای در حال توسعه نظیر ایران می‌تواند منجر به سرایت بحران‌های اقتصادی در یک نقطه از جهان به کشور شود و امنیت ملی ما را با مشکلاتی مواجه سازد (توسلی نایینی، ۱۳۸۲:۱۴۵).

علاوه بر افول حاکمیت ملی، فروریزی مرزها، سرزمین‌زدایی و مکان‌زدایی از جمله پیامدهای امنیتی جهانی‌شدن محسوب می‌شوند. برخلاف گذشته که مرزهای بین‌المللی خط حائل سیاست داخلی و خارجی کشورها به شمار می‌آمدند و نظام سیاسی حاکم از استقلال و آزادی عمل بیشتری در این عرصه برخوردار بودند، فروریزی مرزهای ملی بین دولت‌ها منجر به در هم آمیختن تهدیدات داخلی و خارجی و حتی مهم‌تر از آن منجر به ورود تهدیدات و بحران‌های امنیتی خارج از مرزهای ملی به داخل کشورها می‌شود (پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۹۳:۶۱). در عصر حاضر مرزهای ملی به دلیل گسترش ارتباطات و شبکه‌های بسیار گسترده اطلاع‌رسانی، مفهوم واقعی خود را از دست داده است؛ چرا که عقاید، فن‌آوری، مرام، کالا و خدمات، بیش از هر زمان دیگری آزادانه در حال عبور از مرزها هستند. حفظ راه و روش زندگی خاص ملی یا نظام حکومتی متمایز به‌طور فزاینده مشکل‌تر می‌شود و یکسان‌سازی ارزش‌ها، ایدئولوژی‌ها و سلیقه‌ها در سطح جهانی در حال افزایش است (ستوده، ۱۳۷۹:۳۹). بنابراین می‌توان گفت که جهانی‌شدن به خودی خود برای امنیت ملی کشورهای در حال توسعه از جمله جمهوری اسلامی ایران تهدید محسوب می‌شود و نه فرصت. به عبارتی، جهانی‌شدن در چند مقوله که عبارتند از بازتعریف هویت‌ها، گسترش لیبرال دموکراسی، لیبرالیسم اقتصادی و گسترش سلاح‌های غیرمتعارف می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران تهدید امنیتی تلقی شود؛ اگرچه در برخی مولفه‌ها نیز می‌تواند به عنوان فرصت قلمداد شود (شهرز، ۱۳۸۱:۱۱۴). به تبع تضعیف حاکمیت، امنیت ملی و کم‌اهمیت شدن

مرزها، آسیب‌پذیری‌های داخلی نیز در ابعاد مختلف افزایش می‌یابد که این آسیب‌پذیری‌ها نمایانگر تهدیدات، موانع، محدودیت‌های حفظ و گسترش ارزش‌های حیاتی است. در واقع به اعتقاد برخی، جهانی‌شدن نشانه پایان نظام مستقل متشکل از دولت‌های حاکم است و از این‌رو حاکمیت، موضوعیت خود را از دست داده است. از طرفی، جهانی‌شدن موجب تغییر شرایط تصمیم‌گیری ملی شده، چهارچوب حقوقی و رویه‌های اجرایی دولت‌ها را دگرگون کرده، مرزهای مسئولیت را تیره و تار ساخته و موجب تغییر محتوای نهادی و سازمانی مسائل سیاسی ملی شده است. این مسائل نشان دهنده این است که مفهوم حاکمیت همانند گذشته موضوعیت ندارد (Held, 1993: 238) و حاکمیت مطلق ملی به معنای قدیمی و کلاسیک آن هرچه بیشتر به مفهومی ناممکن و منسوخ تبدیل می‌شود. از این‌رو دولت‌های ملی دیگر نخواهند توانست به راحتی برخلاف مسیر تحولات سیاسی و فرهنگی جهان تصمیم بگیرند. استیلای کامل دولت محلی بر شیوه زیست فرهنگی مردم خود نیز با توجه به گسترش اطلاعات و ارتباطات در سطح جهان، دیگر چندان ممکن نیست و در نتیجه هژمونی ایدئولوژیک و فرهنگی الیگارش‌های محلی سستی می‌گیرد (نامی، ۱۳۸۲: ۸۵). بر این اساس می‌توان گفت که جمهوری اسلامی ایران در عصر جهانی‌شدن، برای حفظ امنیت ملی خود نیازمند این است که با اتخاذ راهکارهایی مناسب از آسیب‌پذیرهای خود در زمینه حاکمیت و مرز بکاهد. از جمله اقداماتی که جمهوری اسلامی ایران در این زمینه می‌تواند انجام دهد را می‌توان به صورت زیر ترسیم نمود:

نمودار شماره ۶: تکنیک‌های حفظ حاکمیت ملی و امنیت مرزها در عصر جهانی‌شدن



(ترسیم از نگارندگان)

نگاه رئالیستی جمهوری اسلامی به امنیت و کم اهمیت انگاشتن ائتلاف‌های برون‌مرزی: در خصوص نوع نگاه جمهوری اسلامی ایران به مولفه امنیت، باید در ابتدا به موقعیت ژئوپلیتیکی ایران و تصمیم‌سازان سیاست خارجی توجه کرد. در شرایطی که بر طبق نمودار شماره ۶ می‌توان زمینه را برای حفظ حاکمیت ملی و امنیت مرزها فراهم کرد، اما قرارگرفتن ایران در منطقه خاورمیانه که دارای چالش‌های فراوانی است، جمهوری اسلامی ایران را به سمت جهت‌گیری امنیتی سوق می‌دهد که البته در این زمینه تا حدود زیادی می‌توان به نقش تصمیم‌سازان عرصه سیاست خارجی اهمیت داد. به عبارتی می‌توان گفت که نگاه رئالیستی تصمیم‌سازان در قبال مولفه امنیت و تصور آنارشیک از نظم منطقه‌ای منجر به عدم توجه جدی به ائتلاف‌های برون‌مرزی شده است. در عصر جهانی‌شدن که ارتباطات اهمیت زیادی پیدا کرده است، حضور در ائتلاف‌های منطقه‌ای و تقویت روابط دیپلماتیک با همسایگان، می‌تواند به حفظ امنیت ملی بینجامد. به تعبیری دیگر، در عصر جهانی‌شدن که زمینه برای نفوذ بازیگران در امور یکدیگر فراهم شده است، صرف اتخاذ سیاست انزواجویانه و تاکید بر خودیاری نمی‌تواند امنیت کشورها از جمله ایران را تامین نماید. بنابراین جمهوری اسلامی ایران نباید نگاه خود را به مولفه امنیت تنها از دریچه رئالیستی و مبتنی بر خودیاری بنگرد، بلکه باید از طریق ورود به پیمان‌های منطقه‌ای و اتخاذ سیاست تنش‌زدایی از تاثیرات منفی جهانی‌شدن، حداقل از جانب متحدین خود آسوده خاطر باشد. بدیهی است که عضویت در سازمان‌های همکاری منطقه‌ای و اتخاذ سیاست اعتمادسازی منجر به برخورداری ایران از تکنولوژی‌های لازم برای مقابله با واحدهایی می‌شود که قصد دارد از طریق فیزیکی یا فضای مجازی امنیت ملی را با بحران مواجه سازند. پس فورمول قدرت - امنیت و بقاء اگرچه لازم است اما کافی نیست و به تنهایی نمی‌تواند در معمای امنیتی جمهوری اسلامی به کار گرفته شود. بر این اساس رابطه میان مفاهیم امنیت، جهانی‌شدن و ائتلاف‌ها در چهارچوب معمای امنیتی جمهوری اسلامی را می‌توان به صورت زیر ترسیم نمود:



نمودار شماره ۷: پیامد منفی نگاه رئالیستی به مفهوم امنیت در عصر جهانی شدن



(ترسیم از نگارندگان)

نمودار شماره ۸: دستیابی به امنیت در عصر جهانی شدن



(ترسیم از نگارندگان)

فرهنگ‌پذیری نوین نشأت گرفته از جهانی شدن و معمای امنیتی جمهوری اسلامی ایران: یکی از پدیده‌های مهمی که در ارتباط با امنیت ملی است، مولفه جهانی شدن فرهنگ است. این مفهوم به معنای شکل‌گیری و گسترش فرهنگی خاص در عرصه جهانی است که موجی از همگونی فرهنگی را در جهان پدید می‌آورد و ویژگی‌های منحصر به فرد فرهنگی را به چالش می‌کشد (صالحی‌امیری و حسین‌زادگان، ۱۳۸۹: ۱۹). به عبارتی دیگر، جهانی شدن فرهنگی را می‌توان در برگزیده فرایندها و عواملی دانست که هرگونه محدودیت و جستار فرهنگی زندگی اجتماعی را تعدیل می‌کند یا از بین می‌برد. برجسته‌ترین وجه جهانی شدن فرهنگ را می‌توان جهانی شدن ویژگی‌های محوری تجدد دانست که عبارتند از یک رشته نهادها و شیوه‌های رفتار که به دنبال فروپاشی نظام فتودالی در اروپای غربی شکل گرفت و

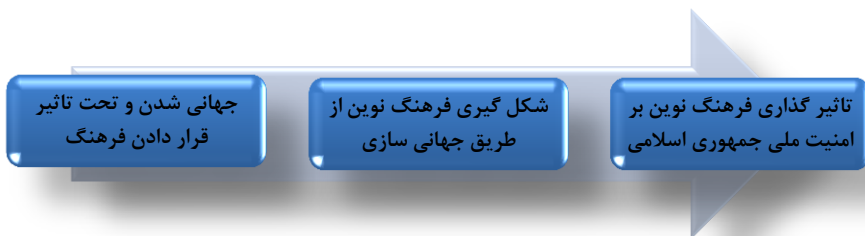
در طول چندین دهه به نقاط دیگری از جهان از جمله امریکای شمالی، اقیانوسیه و ژاپن راه یافت (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۱۰۹). بعد دیگر به نظریه امپریالیسم فرهنگی<sup>۱</sup> مربوط می‌شود که بر پایه آن گرچه جهانی شدن فرهنگی همانند پدیده‌ای فراتاریخی و فراملی یا نیرویی متعالی و جهانی نمودار می‌شود، اما در واقع چیزی جز صدور کالاها، ارزش‌ها و اولویت‌های شیوه زندگی غربی نیست. آنچه در عرصه جهانی فرهنگ رایج و مسلط می‌شود، تصورات و مصنوعات هویت‌های تجدید غربی است که صنایع فرهنگی غربی عرضه می‌کنند. این صنایع بر شبکه‌های جهانی مسلط هستند و امکان چندانی برای روابط و تبادل فرهنگی برابر میان غرب و بقیه جهان باقی نمی‌گذارند (Hall, 1996: 305).

در خصوص واکنش در برابر جهانی شدن، چندین نظریه وجود دارد. برخی نظریه‌پردازان معتقدند که واکنش فرهنگی در برابر فرایند جهانی شدن در بیشتر موارد با مقاومت و مقابله‌ای پر تنش همراه است که معمولاً در قالب توسل به عناصر هویت‌بخشی زبانی، دینی، قومی و نژادی نمود پیدا می‌کند. عده‌ای دیگر آمیزش و تحول فرهنگی را مطرح می‌کنند که بر این نکته دلالت دارد که نمی‌توان گفت در عصر جهانی شدن، فرهنگ‌ها یا باید به خلوص و ریشه خود توسل جویند یا ادغام شوند. در این رهیافت بر دادوستدهای بین فرهنگی و آمیزش فرهنگی برای ایجاد اشکال فرهنگی ترکیبی تاکید می‌شود. این روش بیشتر توصیف‌گر هویت‌ها و انسان‌هایی است که از مرزهای طبیعی و معین و زادگاه خود فراتر می‌روند اما تعلقشان به محیط خود را حفظ می‌کنند بدون آنکه دچار توهم بازگشت به گذشته شوند. برخی دیگر از نظریه‌پردازان معتقدند که فرایند جهانی شدن نوعی همگونی فرهنگی را به همراه می‌آورد و این همگونی فرهنگی<sup>۲</sup> در جهانگیر شدن تجدید یا فرهنگ و تمدن غربی نمود می‌یابد. برای مثال نظریه‌پردازانی مانند گیدنز<sup>۳</sup> و رابرتسون، جهانی شدن را گسترش تجدید از جامعه (غربی) به جهان و گسترش ویژگی‌های محوری تجدید در مقیاس جهانی می‌دانند. در چنین واکنشی، معمولاً

1. Cultural Imperialism
2. Cultural assimilation
3. Giddens

فرهنگ‌ها در برابر جهانی‌شدن منفعل می‌شوند و حتی ضمن پذیرش فرهنگی که جهانی‌شدن اقتصاد حامل آن است، ویژگی‌های خود را از دست می‌دهند. این برداشت از جهانی‌شدن همان نظریه امپریالیسم فرهنگی است که فرایند جهانی‌شدن را در خدمت گسترش نوعی فرهنگ مصرفی می‌داند. در مجموع این نظریه معتقد است که جهانی‌شدن نه یک فرایند تابع نیروهای ساختاری و غیرارادی بلکه نوعی تحمیل فرهنگ غرب بر جهان است که توسط عوامل و اراده‌های اقتصادی-سیاسی نیرومند انجام می‌شود (صالحی‌امیری و حسین‌زادگان، ۱۳۸۹: ۳۶-۳۳).

در زمینه چگونگی تاثیرگذاری جهانی‌شدن بر فرهنگ ایرانی، چندین مولفه تاثیرگذارند. نخستین مولفه به تغییر ذهنیت مربوط می‌شود؛ بدین معنا که بازیگران و واحدهای قدرتمند نظام بین‌الملل تلاش می‌نمایند تا به تحمیل ارزش‌ها و فرهنگ‌های خود به جامعه ایران بپردازند. در واقع یکسان‌سازی فرهنگی در این خصوص تحت‌عنوان جهانی‌سازی شناخته می‌شود. این نوع تصویرسازی از طریق به کارگیری وسایل ارتباط جمعی از قبیل شبکه جهانی اینترنت، ماهواره و تلویزیون انجام می‌گیرد. دومین مولفه تلاش برای تاثیرگذاری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از طریق بهره‌گیری از عنصر فرهنگ‌سازی نوین است. به این صورت که با ایجاد هویت نوین و تبلیغ ارزش‌های خود، سعی می‌کنند نوع نگاه جامعه ایران را تغییر دهند. بدیهی است که این مسئله در بلندمدت می‌تواند خطرات امنیتی را به همراه داشته باشد. بنابراین می‌توان گفت که یکی از معماهای امنیتی جمهوری اسلامی در بخش فرهنگ است که باید سرمایه‌گذاری فراوانی روی آن انجام دهد؛ چراکه اصولاً از هم گسیختگی فرهنگی نیز ممکن است در اثر تضادهای گروهی، نگرشی و ارزشی پدید آید که به دست کشیدن مردم از ارزش‌ها و هنجارها منجر می‌شود و عناصر فرهنگی سایر واحدها پذیرفته می‌شود و این فرایند با کاهش سرمایه اجتماعی تناسب دارد. این مسئله نشان دهنده این است که هرچه سرمایه اجتماعی در جامعه‌ای در سطح بالاتری باشد، قدرت فرهنگی را ارتقاء می‌دهد (مصطفوی، ۱۳۹۰: ۳۶). برای درک چگونگی تحت‌تاثیر قرارگرفتن معمای امنیتی جمهوری اسلامی ایران، می‌توان نمودار زیر را ترسیم نمود:



منبع: (ترسیم از نگارندگان)

هویت قومی و معمای امنیتی جمهوری اسلامی ایران: معمای امنیتی جمهوری اسلامی ایران در عصر جهانی شدن مولفه‌های متفاوتی را در برمی‌گیرد که از میان آنها مولفه قومیت<sup>۱</sup> و هویت قومی<sup>۲</sup> یکی از مهم‌ترین پدیده‌ها به شمار می‌رود. چگونگی تاثیرگذاری جهانی شدن بر هویت قومی کشورهای در حال توسعه همراه با بافت متنوع قومی نظیر ایران، منجر به شکل‌گیری دیدگاه‌های مثبت و منفی در این زمینه شده است. در یک تقسیم‌بندی می‌توان گفت که پدیده جهانی شدن، سه نوع نگاه متفاوت نسبت به مولفه هویت قومی را به وجود آورده است. نخستین نگاه این است که جهانی شدن موجب کاهش یا تضعیف هویت قومی می‌شود. نظریه پردازانی نظیر تونیس<sup>۳</sup> و گیرتز<sup>۴</sup> با مثبت خواندن نقش گسترش فرهنگ و ارتباطات در فرایند دولت-ملت‌سازی، استقرار همگرایی، وحدت ملی و سرعت بخشیدن به روند توسعه و ایجاد فرهنگ جهانی، بر فرایند رو به کاهش ستیزه‌های قومی تاکید کرده‌اند (مقصودی، ۱۳۷۹:۱۳۴). دومین نگاه این است که فرایند جهانی شدن، هویت قومی را تشدید می‌نماید. هال،<sup>۵</sup> کاستلز،<sup>۶</sup> رابرتسون و گیدنز به این مسئله اشاره کرده‌اند. به عقیده هال، هویت‌های محلی که تا دیروز امکان ابراز

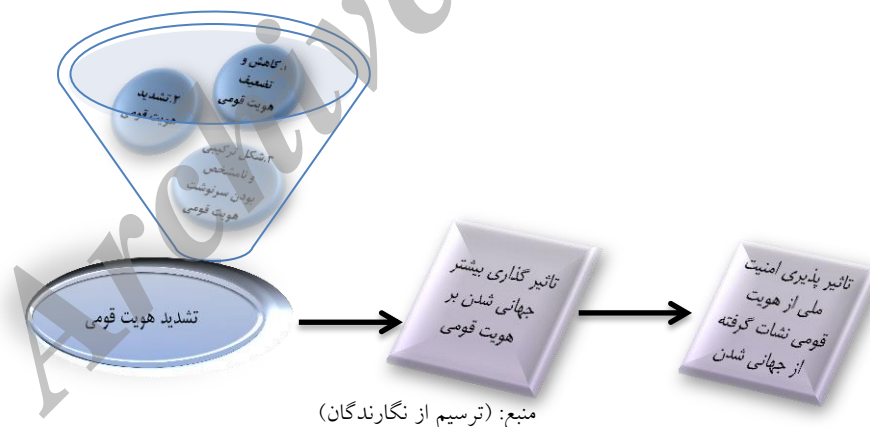
1. Ethnicity
2. Ethnic Identity'
3. Tonnies
4. Geertz
5. Hall
6. Castells

وجود نداشتند، امروز با سرعتی شگفت‌آور خود را مطرح می‌کنند؛ به این ترتیب این قسم هویت‌ها تاریخ پنهان خودشان را بازمی‌یابند و بازگو می‌نمایند. از این منظر، قومیت جایگاه لازمی است که امکان سخن گفتن را برای مردم فراهم می‌آورد (سحابی و آقابلیگ‌پوری، ۱۳۸۹: ۱۴۰). سومین نگاه به تاثیرگذاری جهانی شدن بر هویت قومی، به شکل ترکیبی است که اندرسون<sup>۱</sup> متفکر آن می‌باشد. بر این اساس، به طور مستقیم نمی‌توان گفت که هویت قومی چه سرنوشتی خواهد داشت.

از میان نظریات فوق آنچه که رابطه مستقیمی میان مولفه‌های جهانی شدن، هویت قومی و امنیت ملی جمهوری اسلامی برقرار می‌کند، رشد قوم‌گرایی در عرصه جهانی شدن است که در نگاه دوم و نظریات حال تجلی پیدا می‌کند. بدین معنا که طرفداران این نظریه به لحاظ نظری بیشتر از رهیافت فرهنگ جهانی که به آن اشاره شد، یاری می‌جویند. به عبارتی آنها به رهیافت‌های دیگر به ویژه رهیافت نظام جهانی، سرمایه‌داری جهانی و جامعه جهانی توجه چندانی ندارند؛ چرا که مبانی نظری این رهیافت‌ها چندان تایید کننده فرضیه رشد هویت قومی به ویژه حرکت‌های قوم‌گرایانه سیاسی نیست. طرفداران این نظریه همچنین از مفروضات رهیافت فرهنگ جهانی به ویژه بحث فشرده شدن زمان و مکان سود می‌جویند تا رشد حرکت‌های قومی را به اثبات برسانند. دیدگاه‌های نظری پژوهشگران پست مدرن نظیر "شالوده‌شکنی" دریدا و تاکید بر اهمیت "حاشیه‌زدایی" و "بخش به جای کل" نیز مورد استفاده طرفداران این نظریه قرار می‌گیرد. به لحاظ معرفت‌شناسی، طرفداران نظریه رشد حرکت‌های قومی گاه برای اثبات رشد حرکت‌های قومی به معرفت‌شناسی اثباتی و علمی متکی بر رهیافت رفتارگرایی تاکید می‌کنند و گاه از رهیافت‌های معرفت‌شناسی ضدپوزیتیویستی، نگرش‌های انتقادی و پست‌مدرن استفاده می‌کنند که البته این مسئله منجر به تناقضات و چالش‌هایی در دیدگاه آنان نیز می‌شود (احمدی، ۱۳۸۱: ۲۳). سرانجام، این نظریه‌پردازان از بعد هستی‌شناسی به سه عامل کاهش نقش دولت و زوال آن، رشد حرکت‌ها و کشمکش‌های قومی و فروپاشی کشورهای چندقومی-ملیتی توجه

می‌کنند (همان: ۲۴). آنها در زمینه کاهش نقش دولت معتقدند که نیروهای جهانی به ویژه شرکت‌های فراملی و سایر نهادهای اقتصادی جهانی، فرهنگ جهانی یا سیستم‌های اعتقادی و ایدئولوژی‌های گوناگون جهان‌گرا، یا ترکیبی از همه این عوامل آنقدر قدرتمند می‌شوند که وجود مداوم دولت ملی را دچار شک و تردید جدی می‌کنند (Sklair, 1999: 142). این نظریه‌پردازان در خصوص کشمکش‌های قومی به افزایش آگاهی اقوام در اواخر قرن بیستم اشاره می‌کنند که منجر به تلاش آنها برای کسب استقلال بیشتر می‌شود. نهایتاً، آنها مسئله فروپاشی کشورهای چندقومی-ملیتی نظیر چکسلواکی، یوگوسلاوی، اتحاد جماهیر شوروی و استقلال تیمور شرقی را مطرح می‌کنند و معتقدند که فرایند جهانی شدن و تحولات تکنولوژیک، مربوط به گسترش ارتباطات و نقش وسایل ارتباط جمعی در رشد آگاهی قومی و تلاش برای هویت‌سازی ملی براساس قومیت موثر بوده است (احمدی، ۱۳۸۱: ۲۵-۲۴). در مجموع براساس رهیافت فوق می‌توان تاثیر جهانی شدن هویت قومی و معمای امنیتی ایران را بدین صورت ترسیم نمود:

نمودار شماره ۱۰: روند تاثیرگذاری جهانی شدن بر هویت قومی و معمای امنیتی جمهوری اسلامی ایران



منبع: (ترسیم از نگارندگان)

تاثیر جهانی شدن بر رشد تروریسم و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران: جهانی شدن امنیت، آینده امنیت جهان را تحلیل می‌کند؛ چرا که روندهای تعالی را مشخص می‌سازد. راسموسن معتقد است که این روند با توجه به پدیده تروریسم، باعث نوعی تغییر در هستی‌شناسی امنیتی به هستی‌شناسی عدم امنیت شده است. به

عبارتی جهانی شدن، هستی‌شناسی ناامنی را تقویت نموده است (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۸۷). در این راستا تروریسم در عصر جهانی شدن خطرپذیری دولت‌ها و کشورهای نظیر ایران را که به دنبال تثبیت مرزها و حفظ حاکمیت درونی بوده‌اند را به همراه خواهد داشت. اصولاً وقوع حوادثی نظیر حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، بمب‌گذاری در مرکز تجارت جهانی در ۱۹۹۳ و حمله به متروی توکیو در سال ۱۹۹۵ با گاز سارین، نشانه‌هایی از تغییر اساسی در تروریسم بوده و بیانگر مسئله‌ای است که از آن تحت‌عنوان تروریسم جدید یاد می‌کنند. واژه تروریسم پست‌مدرن (جدید) نخستین بار توسط والتر لکوئر در نشریه Affaires Foreign در سال ۱۹۹۶ به کار رفت (Laquere, 1996: 18-20). بر این اساس، تروریست‌های جدید دارای اهدافی هستند که در ساختار نظام بین‌الملل کنونی قابل تحقق نبوده و بسیاری از اصول و ارزش‌ها و هنجارهای نظام با این اهداف در تعارض است. از این‌رو عمدتاً این تروریست‌ها تساهل لازم را نداشته و رویکردی ساختارشکنانه نسبت به نظام بین‌الملل دارند. از این‌رو مذاکره و یا تلاش برای مصالحه با آنها معمولاً بی‌ثمر است. این مسئله یکی از جدی‌ترین و خطرناک‌ترین ویژگی‌های این نوع تروریسم است. گروه‌هایی نظیر القاعده تروریسم را هدف خود و امری مقدس می‌دانند و لذا در اصول، هیچ تسامحی به خرج نداده و از آن دست برنمی‌دارند (Campell, 2000: 21).

بعد از وقوع تحولات عربی در سال ۲۰۱۰ و سرایت آن به کشورهای مصر، سوریه، بحرین و عراق، زمینه برای افزایش فعالیت‌های تروریستی فراهم شد؛ به‌گونه‌ای که گروه داعش به رهبری ابوبکر البغدادی توانست در عراق و سوریه برای خود حوزه نفوذ ترسیم نماید. این مسائل نشان می‌دهد که در عصر جهانی شدن، شکل‌گیری بحران هویت و دسترسی به وسایل ارتباط جمعی، منجر به تقویت مجدد برخی ایدئولوژی‌ها به ویژه در منطقه خاورمیانه شده است که برای کشورهای با ثبات منطقه نظیر ایران، یک تهدید قلمداد می‌شود. در تحلیل این موضوع باید گفت که مولفه‌های جهانی شدن در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و فناورانه یکی از پایه‌های شکل‌گیری تروریسم جدید را شکل می‌دهد و از سوی دیگر، عوامل داخلی نامساعد بر شدت آن می‌افزاید. از جمله عوامل سیاسی

می‌توان به بحران دولت ملی، شکل‌گیری دولت‌های ورشکسته و شبه‌دولت‌ها، رشد فرقه‌گرایی و گرایش‌های قومی، افزایش مداخلات بشردوستانه و کاهش صلاحیت دولت‌ها اشاره کرد. مولفه‌های اقتصادی نیز مواردی نظیر افزایش شکاف دارا و ندار، افزایش وابستگی کشورهای جنوب، افزایش فقر، افزایش شکاف تکنولوژیک، فقدان استانداردها و موازین جدید تجاری و درون‌گرایی اقتصاد کشورهای جنوب را در برمی‌گیرد. در بخش عوامل داخلی نامساعد نیز می‌توان مواردی نظیر فقدان مردم‌سالاری دولت‌های فاسد و نامشروع، سابقه اشغال خارجی، بی‌عدالتی اجتماعی، دولت ناکارآمد و حمایت خارجی از دولت را برشمرد که به ترتیب، شکل‌گیری افراد و گروه‌ها و بازیگران غیردولتی، بحران هویت، توسل به ایدئولوژی، استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و در نهایت تروریسم جدید را در پی دارد (گوهری مقدم، ۱۳۹۰: ۱۸۶). بنابراین می‌توان گفت با توجه به این که تاثیر شگرف جهانی‌شدن بر رشد تروریسم و گسترش آن در منطقه خاورمیانه برای جمهوری اسلامی ایران یک تهدید به شمار می‌رود، مقابله با این پدیده مستلزم سیاست‌گذاری و اجرای دقیق از سوی ارگان‌های دولتی است.

### نتیجه‌گیری

مفاهیم جهانی‌شدن و جهانی‌سازی که از سال ۱۹۹۰، منجر به تاثیرگذاری بیشتری بر دکترین امنیتی کشورها شده است، به انحاء گوناگون نقش و هویت جدیدی برای آنها بازتعریف می‌نمایند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که این مفاهیم معمای امنیتی کشورها را در عرصه‌های فرهنگی، هویت قومی، مرزها و حاکمیت ملی تحت تاثیر قرار داده‌اند. در این پژوهش ضمن بررسی تفاوت‌های میان جهانی‌شدن و جهانی‌سازی، بیشتر بر چگونگی تاثیرگذاری جهانی‌شدن بر معمای امنیتی کشورها به ویژه جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده و این نتیجه حاصل می‌شود که مفاهیم جهانی‌شدن و امنیت در ارتباط مستقیم با یکدیگر هستند. در رابطه با جهانی‌شدن و امنیت اطلاعات، مهم‌ترین مسئله به چالش‌هایی نظیر فقدان رهبری مشخص برای سازماندهی فضای سایبر و افزایش جرائم اطلاعاتی پنهانی مربوط می‌شود. این امر مستلزم این است که تمهیدات اساسی از سوی مسئولین نظیر برنامه‌ریزی میان‌مدت



و بلندمدت، آموزش افراد متخصص، بهره‌گیری از رسانه‌های برتر و برگزاری همایش‌های تخصصی صورت گیرد. مسئله مهم دیگر در رابطه با جهانی شدن و امنیت ملی جمهوری اسلامی، به تضعیف حاکمیت و امنیت ملی، کم‌اهمیت شدن مرزها و آسیب‌پذیری داخلی مربوط می‌شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که جهانی شدن از طریق عبور از مرزهای ملی، منجر به تضعیف حاکمیت ملی و آسیب‌پذیری داخلی ایران می‌شود که در بلندمدت می‌تواند خطرناک ظاهر شود.

بر این اساس برای کاهش این آسیب‌پذیری، مقاله حاضر این نکته را مطرح می‌سازد که جمهوری اسلامی ایران باید اقداماتی نظیر تنش‌زدایی، تقویت روابط با همسایگان، گفت‌وگوی سازنده با قدرت‌های بزرگ و اعتمادسازی را در دستورکار خود قرار دهد تا بتواند به مقابله با آثار سوء ناشی از این آسیب‌پذیری بپردازد. علاوه بر این، هرگونه موفقیت ایران در زمینه امنیت ملی بستگی به نوع نگاه ایران به مفهوم امنیت و چگونگی ائتلاف‌های برون‌مرزی و منطقه‌ای دارد. بدین معنا که نگاه ایران نباید صرفاً رئالیستی باشد بلکه برقراری ارتباط با همسایگان و ورود به پیمان‌های منطقه‌ای باید مورد توجه تصمیم‌سازان عرصه سیاست خارجی ایران قرار گیرد؛ تا از این طریق، زمینه برای حفظ و ارتقاء امنیت ملی کشور فراهم شود. یافته‌های تحقیق همچنین این نتیجه را نشان می‌دهد که در عصر جهانی شدن، مولفه فرهنگ نقش بسیار اساسی در زمینه امنیت ملی دارد. بر این اساس، برای جلوگیری از تغییر ذهنیت افراد و افکار عمومی جامعه، باید در زمینه تربیت نیروی انسانی کارآمد سرمایه‌گذاری بیشتری صورت گیرد تا بتوان از آنچه که تحت‌عنوان امپریالیسم فرهنگی شناخته می‌شود، جلوگیری به عمل آورد. نکته دیگر جهانی شدن با دادن نقش بیشتر به هویت‌های قومی، منجر به تضعیف نقش حاکمیت می‌شود که جمهوری اسلامی ایران برای حفظ معماری امنیتی خود باید امکانات و خدمات لازم را در اختیار اقوام قرار داده و از واگرایی آنها جلوگیری کند. نهایتاً می‌توان به رابطه مستقیم میان جهانی شدن و رشد تروریسم پی‌برد که به دلیل ضعف حاکمیتی در منطقه خاورمیانه، زمینه لازم برای فعالیت این گروه‌ها وجود دارد. بر این اساس، اتخاذ سیاست‌های کارآمد از سوی ارگان‌های دولتی می‌تواند به تثبیت معماری امنیتی جمهوری اسلامی ایران در عصر جهانی شدن کمک شایانی نماید.

## منابع

### الف - فارسی

- ابراهیمی، نبی‌الله. ۱۳۸۹. گفتمان اسلام سلفی و جهانی شدن امنیت خاومیانه، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، شماره چهارم.
- اتوسن. ۱۳۸۳. جنگ نرم ۲ ویژه جنگ‌های رسانه‌ای، تهران، انتشارات بین‌المللی ابرار معاصر.
- احمدی، حمید. ۱۳۸۱. "هویت قومی یا هویت ملی؟"، فصلنامه مطالعات ملی، سال سوم، شماره یازدهم.
- پیشگاهی‌فرد، زهرا و همکاران. ۱۳۹۳. "جهانی شدن ارتباطات و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر مرزهای غربی"، فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، سال چهارم، شماره دهم.
- تارو، لستر. ۱۳۷۶. آینده سرمایه‌داری، ترجمه عزیزکیاوند، تهران، مؤسسه انتشارات آگاه.
- توسلی نایینی، منوچهر. ۱۳۸۲. "تاثیر جهانی شدن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره یکصد و نود و هفتم.
- خوجم لی، عبدالوهاب. ۱۳۹۲. "تبیین موقعیت ژئوپلیتیک ایران"، فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس، سال دوازدهم، شماره چهل و چهارم.
- دهشیری، محمدرضا. ۱۳۹۲. "تفاوت جهانی شدن و جهانی سازی"، جزوه درس جهانی شدن، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه.
- روحانی، حسن. ۱۳۸۹. امنیت ملی و نظام اقتصادی ایران، تهران، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.
- ستوده، محمد. ۱۳۷۹. "جهانی شدن و امنیت ملی"، فصلنامه دانشگاه باقرالعلوم، سال سوم، شماره نهم.
- سبحانی، جلیل و آقابایگ‌پوری، هاشم. ۱۳۸۹. "بررسی تاثیر بعد فرهنگی جهانی شدن بر هویت قومی، مطالعه موردی جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهرستان بوکان"، فصلنامه مطالعات ملی، سال یازدهم، شماره اول.
- صالحی‌امیری، سیدرضا و حسین‌زادگان، زهره. ۱۳۸۹. "جهانی شدن فرهنگ و تاثیر آن بر ایران"، گروه پژوهش‌های فرهنگی - اجتماعی، شماره پنجاه و هفتم.



- عزتی، عزت‌الله. ۱۳۸۷. "ژئواکونومیک قرن بیست و یک جایگاه ایران"، فصلنامه نگاه، سال دوم، شماره دوم.
- قاسمی، فرهاد. ۱۳۹۰. نظریه‌های روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای، تهران، انتشارات میزان.
- گل محمدی، احمد. ۱۳۸۱. جهانی شدن فرهنگ - هویت، تهران، نشر نی.
- گوهری مقدم، ابوذر. ۱۳۹۰. جهانی شدن و تروریسم جدید: ارائه مدلی مفهومی، فصلنامه دانش سیاسی، سال هفتم، شماره اول.
- مصطفوی، سیدمحمدحسن. ۱۳۹۰. "جهانی شدن و فرهنگ با نگاهی بر اثرات آن بر جوانان ایران اسلامی"، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال پنجم، شماره پنجاه و سوم و پنجاه و چهارم.
- مقصودی، مجتبی. ۱۳۷۹. "فرهنگ، ارتباطات و تحولات قومی: بررسی نظری"، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ششم.
- نامی، داود. ۱۳۸۲. "اقتدار و حاکمیت در روند جهانی شدن"، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره یکصد و نود و ششم.
- هاتف، مهدی. ۱۳۸۸. "چالش‌ها و چشم‌اندازهای امنیت در فضای مجازی"، دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال ششم، شماره بیست و دوم.

#### ب- انگلیسی

- Al - Rodhan, Nayef. 2006. **Definitions of Globalization: A Comprehensive Overview and a Proposed Definition**, Geneva Center for Security Policy.
- Campbell, James. 2000. **On Not Understanding the Problem: in Hype or Reality?** The New Terrorism and Mass Casualty Attacks, Alexandria: the Chemical and Biological Arms Control Institute.
- Hall, S. 1996. "The Question of Culture Identity", In S, Hall, D. Held and A. McGrew (Eds) **Modernity and its Future**. Cambridge. Polity.
- Held, D. 1993. **Democracy and the New International Order**, London: Institute of Public Policy Research.
- Laquere, Walter. 1996. Postmodern Terrorism, **Foreign Affairs**, Vol.75.
- Lee, Eddy & Vivarelli, Marco. 2006. **The Social Impact of Globalization in the Developing Countries**, Discussion Paper No. 1925.
- Reich, Simon. 1998. **What is Globalization?**, Kellogg Institution for International Studies.
- Sklair, Leslie. 1999. "Competing Conception of Globalization", **Journal of World System Research**, Vol.2.